

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع

حوضه رودخانه کر در دوره بانس

مرتضی حصاری^{۱*}، بهروز آقایی^۲

(دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۹ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۹)

چکیده

دوره فرهنگی بانس در جنوب ایران، یک مرحله کلیدی در افزایش پیچیدگی‌های اجتماعی - اقتصادی در نیمه دوم هزاره چهارم پ.م. به‌شمار می‌آید. تولید و توزیع تخصصی محصولات صنعتی و غذایی در کنار تغییر الگوهای استقراری و راهبردهای زیستی نشان‌دهنده یک تطور فراگیر منطقه‌ای است که نظام متفاوتی را در جامعه بانسی حوضه رودخانه کر برقرار می‌سازد. در این میان برخی شواهد باستان‌شناختی، مختصات جامعه‌ای متخصص در زمینه تولید و توزیع محصولات دامی را در کنار جوامع تولیدکننده کشاورز/ صنعتگر این حوضه ترسیم می‌کند که موجودیت آن به‌منزله پدیده‌ای نوین، متأثر از پیچیدگی اقتصادی در بازه زمانی و مکانی مذکور است. پژوهش حاضر شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت را در پیکربندی نظام اقتصادی - اجتماعی این دوره ترسیم و با بهره‌گیری از رویکرد حد وسط و با قیاسی تاریخی - مردم‌شناختی توضیحی برای چگونگی تطور راهبردهای تولیدی و شکل‌گیری بسترهای مبادله محصولات دامی ارائه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: دام‌پروری تمام‌وقت، حوضه رودخانه کر، بانس، پیچیدگی اقتصادی -

اجتماعی، راهبرد حد وسط.

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول)

mhessari@aui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران، دانشگاه هنر اصفهان.

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

مقدمه

از حدود ۱۲ هزار سال پیش تاکنون، دام‌پروری به هر شیوه و میزان تحرک از آغاز اهلی‌سازی حیوانات رسته سم‌داران، در قسمت‌های مختلفی از جهان، به بخش جدایی‌ناپذیری از جامعه انسانی و اقتصاد جوامع شرق نزدیک، تبدیل شده است (Abdi, 2015: 1). یافتن پاسخی قطعی برای این پرسش که آیا توسعه دام‌پروری همانند نواحی لوانتی پس از آغاز کشاورزی صورت پذیرفته^۱ یا اینکه توسعه آن‌ها همانند نواحی شمالی لوانت، جنوب شرقی آناتولی و تا اندازه‌ای کوه‌های زاگرس، با یکدیگر مقارن بوده، همواره با تردید همراه بوده است^۲ (Abdi, 2003: 296- 397). با این حال، باستان‌شناسان درمورد اینکه کوه‌های زاگرس یکی از مناطقی است که دام‌پروری در قالب راهبردهای متفاوت در آن موجودیت و توسعه یافته، به اجماع رسیده‌اند و بازه‌های زمانی متفاوتی از دوره نوسنگی (Hole, 1978; Zagarell, 1989; Mortensen, ۱۹۷۲) اواخر دوره مس و سنگی (Henrickson, 1985) و اوایل عصر مفرغ (Abdi, ۲۰۰۳) را برای این موضوع پیشنهاد کرده‌اند. مراحل تطوری راهبردهای دام‌پروری در قالب‌های دام‌پروری روستا بنیاد^۳ آغاز و به شیوه‌های دام‌پروری چراگردی^۴ و دام‌پروری کوچ‌روی^۵ قابل ارزیابی است (ibid: 398). اما در کنار الگوهایی که مبتنی بر نوع تحرک و اسکان هستند، الگوی دیگری بر اساس ساختارهای اقتصادی - اجتماعی قابل تبیین است که بدان دام‌پروری تمام‌وقت گفته می‌شود. این الگو با صرف‌نظر از میزان و نوع تحرک، بر اساس برهم‌کنش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دام‌پرور با دیگر جوامع یکجانشین شهری و روستایی تعریف می‌شود. این رابطه دوسویه در قالب شیوه‌هایی متضاد در تولید و مکمل در راستای مبادله کالاها سازمان می‌یابد و سبب تطور جامعه متخصص دام‌پرور در تولید و توزیع محصولات دامی می‌شود. در این جامعه تولیدات کشاورزی، فرآورده‌های دامی و صنایع‌دستی در اولویت بعدی تولید و غالباً برای مصرف داخلی خانوار یا مبادلات خرد صورت می‌پذیرند.

در این پژوهش چگونگی سازمان‌یافتگی جامعه دام‌پرور تمام‌وقت در سیستم اقتصادی - اجتماعی پیچیده تبیین و توضیحی برای تطور راهبردهای تولید در جوامع دام‌پرور تمام‌وقت و همچنین چگونگی شکل‌گیری بستر مبادله محصولات دامی در

حوضه رودخانه کر ارائه خواهد شد. شواهد باستان‌شناختی که در بخش‌های بعد ارائه می‌شود، ابعاد گسترده‌ای از ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع حوضه رودخانه کر را به تصویر می‌کشاند؛ اما استنباط بسیاری از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع دام‌پرور تمام‌وقت این حوضه بر شواهد غیرمستقیم متکی است. به‌طوری که ما فقط می‌توانیم اثر فعالیت‌های زیستی جامعه مذکور را در شواهد باستان‌شناختی جوامع یک‌جانشین مشاهده کنیم. بنابراین مطالعه چگونگی سازمان‌یافتگی این جامعه نیازمند روشی متناسب با ویژگی داده‌های موجود است. بر همین اساس در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد حد وسط به قیاسی تاریخی - مردم‌شناختی می‌پردازیم تا برای برخی مؤلفه‌های ساختاری لازم در برقراری ارتباطی دوسویه اقتصادی - اجتماعی در هر یک از جوامع یک‌جانشین و دام‌پرور متحرک در حوضه رودخانه کر در دوره بانس، پیشنهادی ارائه دهیم.

شواهد باستان‌شناختی جوامع دام‌پرور تمام‌وقت حوضه رودخانه کر

تاکنون مطالعات باستان‌شناسی مدونی درباره جوامع دام‌پرور تمام‌وقت در حوضه رودخانه کر صورت پذیرفته است؛ اما باستان‌شناسان به‌طور ضمنی با تجزیه و تحلیل مواد جانوری و گیاهی سکونت‌گاه‌های جوامع یک‌جانشین، شواهدی استنباطی از موجودیت جوامع دام‌پرور متخصص عنوان نموده‌اند. یکی از مهم‌ترین شواهد مربوط به جوامع دام‌پرور تمام‌وقت در حوضه رودخانه کر مربوط به داده‌های جانور باستان‌شناسی تل ملیان است که در آن توزیع گوشت (با توجه به نحوه و سن کشتار دام) در یک روند پیوسته تطوری به استاندارد ثابتی می‌رسد. به عبارتی، ساکنان ملیان اگر نه کاملاً ولی تا حد زیادی گوشت موردنیاز خود را از راه دام‌پروران غیرساکن تهیه می‌کردند. افزون بر این، داده‌های گیاه باستان‌شناسی نیز از جمله مدارکی است که می‌تواند به حضور جوامع دام‌پرور تمام‌وقت در حوضه رودخانه کر اشاره داشته باشد. جنگل‌زدایی در نیمه دوم هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم در این حوضه احتمالاً معلول افزایش جمعیت، گسترانیدن زمین‌های زراعی و تأمین سوخت برای مصارف صنعتی و خانگی بوده است که با توجه به تخمین جمعیت حوضه رودخانه کر در کنار برآورد

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حساری و همکار

میزان مصرف سوخت، می‌توان وجود جمعیتی غیر یک‌جانشین را ترسیم کرد که در روند جنگل‌زدایی اثرگذار بوده‌اند. همچنین ابقای گزینشی درختان دانه‌دار مانند پسته و بادام وحشی در این جنگل‌زدایی می‌تواند با جوامع دام‌پرور تمام‌وقت مرتبط باشد (Miller, 1985, 1990a, 1990b, 2011, 2013). از دیگر شواهدی غیرمستقیمی که به درک حضور یک جامعه دام‌پرور تمام‌وقت در حوضه رودخانه کر کمک می‌کنند بدین شرح‌اند: سیستم‌های استقرار نوین همانند پیدایش دسته‌های استقراری در فاز بانس آغازین، عدم تعادل میان ظرفیت جمعیتی تل قریب با میزان تولید سفال در آن، پدیدار شدن یک رشد سریع و غیرعادی در تل ملیان بانس میانی، ظهور شهر بانس میانه‌ای در عین حال، نبود جمعیت محیطی دورتادور شهر برای پشتیبانی و تداوم بقای شهر و دیوار بزرگ و ضخیم بانس جدید در پیرامون شهر ملیان (Alden, 2013: 237). حضور فعال دام‌پروران در حوضه رودخانه کر و پس‌کرانه‌های آن به دوره بانس محدود نیست. وجود گرده‌های پلانتاگو^۶ و لانسولاتا^۷ در نمودار گرده‌شناسی دریاچه مهارلو (۲۰ کیلومتری شرق شیراز) می‌تواند نشان‌دهنده پرورش و چرای دام، حداقل از آغاز هزاره پنجم پ.م. در منطقه باشد (Djamali et al., 2009: 132)؛ یعنی همان بازه زمانی که علیزاده توزیع جغرافیایی محوطه‌های باکونی را با مناطق مهاجرت سالانه اقوام کوچ‌رو قشقایی مرتبط می‌داند. به عقیده وی در هزاره پنجم پ.م. نخبگان کوچ‌رو محرک توسعه و پیچیدگی تل باکون الف بوده‌اند و نقشی کلیدی در گسترش جوامع پیش از شهرنشینی فارس و سازمان‌های حکومتی این منطقه داشته‌اند (Alizadeh, 2003, 2006, ۲۰۰۹). افزون بر این، سامنر ریشه پیدایش دام‌پروری تخصصی در حوضه رودخانه کر را تغییر در سیستم استقرار سکونت‌گاه‌های دوره لپویی می‌داند. به عقیده وی مکان‌گزینی محوطه‌ها در نزدیکی مراتع نشان‌دهنده یک عنصر قوی دام‌پروری است. در تعاقب این فرایند و با افزایش چرای بیش‌ازپیش دام در مراتع، تحرک به عنوان یک مؤلفه اساسی در جایگاه راهکاری نوین برای یافتن مراتع جدید موجودیت یافته که در نهایت منجر به شکل‌گیری دام‌پروری متحرک (در شیوه‌های مختلف) می‌شود (Sumner, 1988: 39؛ سامنر، ۱۳۷۷: ۴۳).

در خارج از حوضه رودخانه کر در دشت‌های میان کوهی شمالی این حوضه تپه مهر علی نمونه‌ای جامع برای استنباط جوامع دام‌پرور تمام‌وقت است. احتمالاً تپه مهر علی به منزله یک مرکز منطقه‌ای دارای فعالیت‌های اداری بوده و مبادلاتی با مناطق هم‌جوار خود داشته است (نوبری و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به حجم فراوان یافته‌های استخوانی^۸، پیشنهاد می‌شود که جامعه مهر علی اتکای بیشتری به دام‌پروری داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به مطالعات گیاه - باستان‌شناسی و آزمایش ایزوتوپ از نمونه غلات و خاک این محوطه می‌توان نتیجه گرفت که جامعه مهر علی چندان با فنون کشت آبی آشنا نبوده و کشاورزی ساختار ضعیفی داشته است^۹ (سرداری، ۱۳۹۰: ۳۹۸). در این محوطه گوسفند و بز در رده سنی الف (۰ تا ۲ ماه) در داخل محوطه کشتار نشده است. از این مسئله می‌توان نتیجه‌گیری‌های متفاوتی کرد. اول اینکه عدم حضور رده سنی الف را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که شاید گوسفند/ بز ماده در دوره زایمان خود، در هوای سرد منطقه (اسفند تا فروردین) در داخل غارهای کوهستانی اطراف محوطه نگهداری می‌شده‌اند تا با گرم شدن نسبی هوا به همراه بره‌ها و بزغاله‌ها به داخل گله آورده شوند (چراگردی)، و یا شاید بتوان مطرح کرد که در دوره زایمان، دام‌های کم‌سن گله در منطقه دیگری قرار داشته‌اند که تا زمان رسیدن به محوطه مهر علی وارد رده سنی «ب» می‌شده‌اند (کوچ‌روی) (شیخی، ۱۳۹۰: ۵۶). گفتنی است که این شواهد در راستای اثبات دام‌پروری تمام‌وقت نیست، بلکه برای معرفی بستری است که دام‌پروری تا اندازه زیادی در آن نقشی کلیدی برای معیشت ایفا می‌کرده است.

دوره فرهنگی بانس و تل ملیان

یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به فرهنگ بانس در جنوب مرکز فلات ایران از حوضه رودخانه کر (Alden, 2013; Sumner, 2003)، دشت ممسنی (McCall, 2009: 137)، دشت آسپاس در شمال استان فارس (زیدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۱۴۷)، دره بلاغی (Hellwing et al., 2010: 3)، بوشهر (Carter et al., 2006: 88-89) به دست آمده و یک بازه زمانی از ۳۴۰۰ تا ۲۷۰۰ پ.م. را که به سه فاز آغازین^{۱۰} (حدود سال‌های ۳۴۰۰ تا ۳۲۵۰

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

پ.م.)، میانى^{۱۱} (حدود سال‌های ۳۲۵۰ تا ۲۹۵۰ پ.م.) و متأخر^{۱۲} (حدود سال‌های ۲۹۵۰ تا ۲۷۰۰ پ.م.) تقسیم می‌شود، دربر می‌گیرد.

تل ملیان

از آنجایی‌که ملیان تنها محوطه‌ای است که بیشترین اطلاعات مربوط به ساختار اقتصادی - اجتماعی دورهٔ بانس را داراست، توصیف و تجزیه و تحلیل مواد به‌دست‌آمده از این محوطه برای تکمیل اطلاعات باستان‌شناسی عنوان‌شدهٔ مقاله اهمیت بسیاری دارد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. تل ملیان در دشت بیضا (شمال غرب درهٔ رود گر) حدود ۸۰ کیلومتری شمال غربی شهر شیراز واقع شده است. کل محوطه شامل تپه‌های کم‌ارتفاعی است که درون باروی شهر محصور و مساحتی حدود ۲۰۰ هکتار را در برمی‌گیرد. این منطقه جزو دره‌های مرتفعی است که مابین ارتفاعات رشته‌کوه زاگرس در غرب استان فارس قرار گرفته و در حدود ۱۶۰۰۰ متر ارتفاع دارد. بارندگی در این ناحیه حاصلخیز به میزان کافی، اما کشاورزی دیم نتیجه‌بخش نیست. وضعیت عمومی ملیان به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود. قسمت اول ردیف تپه‌های باریکی به عرض ۲۰ تا ۲۵ متر و به ارتفاع ۱۶ تا ۱۸ متر که دورتادور تپه را از سه طرف محصور کرده که بقایای حصار شهر است. قسمت دوم یک محوطهٔ مسطح باز در داخل حصار است که در حدود ۵۰ هکتار مساحت و در آن بقایای محدودی وجود دارد. قسمت سوم گروه تپه‌های متصل‌به‌هم که ناحیه‌ای در حدود ۱۰۰ هکتار را دربرگرفته است و بقایای اصلی شهر را معرفی می‌کند. مرتفع‌ترین تپه‌های این مجموعه باستانی در لبهٔ شمال غربی واقع شده و ارتفاع آن به ۲۷ تا ۲۸ متر از سطح دشت می‌رسد (Carter, 1996: 135-136). بر اساس تفسیر مواد باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از این محوطه می‌توان ملیان را یک مرکز اداری جهت کنترل اقتصاد منطقه در اواخر فاز میانی و فاز پایانی بانس در نظر گرفت (Alden, 1979: 141) که به‌منزلهٔ یک کانال ارتباطی، برای مبادلهٔ محصولات کشاورزی با محصولات صنعتی تولیدشده در جوامع ساکن دشت عمل می‌کرده است. با توجه به اینکه ملیان به‌منزلهٔ نقطهٔ کانونی اداری برای ترکیب تخصص‌های اقتصادی در منطقه کارکرد داشته است، می‌توان نقش مهمی در

یکپارچه‌سازی و ارتباط دو سیستم سیاسی و اقتصادی در حوضه رودخانه کر برای آن متصور شد. با تکیه بر مؤلفه‌هایی که نام برده شد، انتظار می‌رود میان در فازهای بانس میانه و متأخر به میزانی از توسعه‌یافتگی سیاسی - اقتصادی رسیده باشد که بتوان از آن به‌عنوان کانون شهری و نهادی پیش‌حکومتی یاد کرد. طبق مدارکی که از ترانشه‌های ABC^{۱۳} و TUV^{۱۴} به‌دست آمده، می‌توان گفت که میان یک محوطه سکونت‌گاهی بوده که در آن مدیریت توزیع کالا و همچنین تولید کالاهای خرد در میزان اندک صورت می‌پذیرفته است. اما بهره‌وری از کالاهایی که در دیگر مناطق دشت تولید می‌شده است نشان می‌دهد که حتی میان به‌منزله یک مرکز جمعیتی ویژه، به شبکه کلی تولیدی - توزیعی متخصصان تمام‌وقت اقتصادی وابسته بوده که این امر را می‌توان یکی از وجوه پیچیدگی اقتصادی در این بازه مکانی و زمانی به‌شمار آورد.

ساختار اقتصادی - اجتماعی جوامع حوضه رودخانه کر در دوره بانس

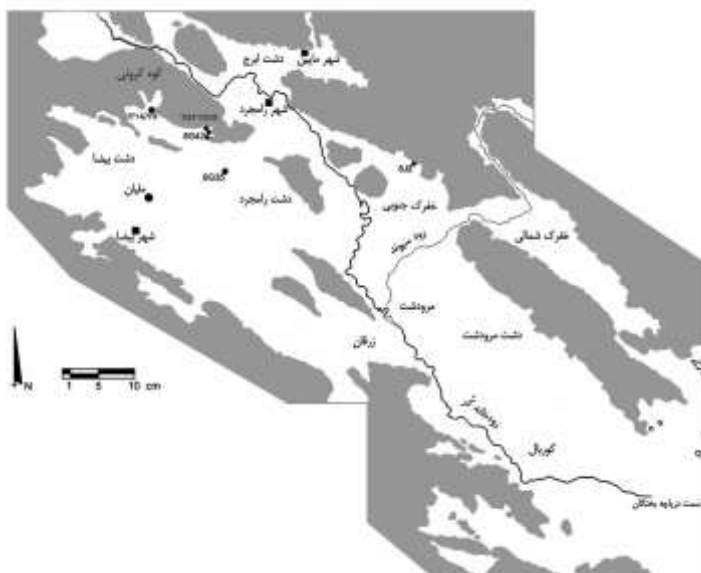
آگاهی ما از چارچوب اقتصادی جوامع بانسی در حوضه رود کر، به شواهد باستان‌شناختی تولید و توزیع تخصصی کالاهای صنعتی، کشاورزی و دامی متکی است. این مجموعه اطلاعات به وسیله تجزیه و تحلیل الگوهای استقرار، تولید و توزیع سفال و دیگر صنایع، در کنار یافته‌های استخوانی و گیاهی، فراهم شده است. جنبه‌های متفاوت اقتصاد تولیدی در فرهنگ بانس، از مبادلات برون منطقه‌ای تا اقتصاد زیستی را می‌توان به دو دسته بزرگ تولیدات صنعتی و تولیدات غذایی (و تمام فعالیت‌های تدارکاتی و نظارتی برای فرایند تولید و توزیع صنایع مذکور) تقسیم کرد. علاوه بر این، شواهد جمع‌داری پیشرفته کالا و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی در کنار توزیع تخصصی کالاهای صنعتی و غذایی، سبب می‌شود تا از واژه «پیچید» برای ترسیم مختصات ساختار اقتصادی این دوره استفاده کنیم. منظور از پیچیدگی، سلسله‌مراتب سازمان‌یافته، و منظور از سلسله‌مراتب سازمان‌یافته این است که شخص یا نهاد مدیریتی، فعالیت‌ها را از طریق اقتدار خود و تعدادی از زیرمجموعه‌هایش، مدیریت کند. شکل‌گیری سلسله‌مراتب در نظام اقتصاد تخصصی، بر فعالیت‌های تولیدی و هدایت کردن مبادلات به سمت مکان‌های تمرکز یافته جهت توزیع کالا متکی است (Alden, 1979: 1-4).

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حساری و همکار

کل می‌توان از سه شاخصه تولید تخصصی، توزیع غیرمستقیم و مدیریت روابط اقتصادی از طریق سلسله‌مراتبی سازمان‌یافته به‌منزله عناصر اصلی موجودیت یافتن اقتصاد پیچیده نام برد (ibid: 9). آلدن با مطالعه تولید و توزیع تخصصی سفال در میان جوامع بان‌شی حوضه رودخانه کر، مفهوم پیچیدگی اقتصادی را با تکیه بر تجزیه و تحلیل مواد فرهنگی تبیین و عنوان می‌کند که تولید تخصصی سفال با آمیزه شنی^{۱۵} و کاهی^{۱۶} در کنار توزیع غیرمستقیم سفال^{۱۷} مؤلفه‌های بنیادین پیچیدگی اقتصادی هستند. این ویژگی‌ها به‌صورت یکجا در دیگر صنایع (ابزار سنگی^{۱۸}، صدف، نساجی و فلزگری) مشهود نیستند. برای مثال شواهد مربوط به صنایع سنگ حاکی از آن است که ابزارهای سنگی تولیدشده توسط متخصصان (شاید پاره‌وقت) در گروه گسترده‌ای از فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های خانگی کاربرد داشته و به‌کارگیری صدف در ساخت صنایع دستی در لایه‌های بان‌شی میانی TUV و ABC رایج بوده است. اما فراتر از این مقدار هیچ اطلاعی از نحوه تولید و توزیع آن‌ها در دسترس نیست. علاوه بر این، یافته‌های دیگر همانند مهره‌هایی از جنس طلا، صدف، مروارید، قیر، استخوان، سنگ، حلزون کارن‌شده و عقیق سرخ نیمه‌کارشده، مهره‌های کلینوپتیلولیت^{۱۹}، مهره‌های لاجورد و فیروزه (در کنار نمونه‌های کارن‌شده از هر دو نوع آن‌ها)، نساجی و فلزگری^{۲۰} اگرچه تولید را به اثبات نمی‌رسانند؛ اما آن را رد هم نمی‌کنند (Sumner, 2003: 114-115). آنچه از میان داده‌های ملیان بسیار اهمیت دارد (که هم به پیچیدگی اقتصادی و هم به دام‌پروری تمام‌وقت مرتبط است) راهبرد بهره‌برداری از گوشت دام است. در مطالعه استخوان‌های ABC و TUV اطلاعات ارزشمندی در رابطه با نحوه تهیه گوشت در این دو منطقه، روش و سن قصابی و همچنین تحول راهبرد بهره‌وری از دام از دوره بان‌شی به‌دست آمده است. این اطلاعات نشان می‌دهند که ساکنان ABC گوشت را از طریق کانال‌های غیرمستقیم دریافت می‌کردند. در ABC گوشت گوسفند و بز ۹۹ درصد کل گوشت مصرفی را تشکیل می‌دهد و پراکندگی سنی بقایای بزهای یافت‌شده بین دو تا سه‌ساله است. پراکندگی استخوانی برخی از اجزای دام در ABC نشان می‌دهد که حداقل برخی از حیوانات در همین محل قصابی شده‌اند؛ یعنی یا با پای خود به اینجا آورده شده و یا اینکه به‌شکل لاشه کامل، منتقل شده‌اند. در هر حال حضور نسبی

استخوان‌های گوشت‌دار و تعداد اندک اجزای سر حیوان در مقایسه با کمیت استاندارد استخوان‌های یک لاشه کامل نشان می‌دهد که نوعی دسترسی ترجیحی به بخش‌های گوشت‌دارتر حیوان وجود داشته است. محل قرارگیری ضربه‌های قصابی بر روی استخوان بزها بسیار متمرکز و دقیق است که خود بیانگر نوعی استانداردسازی در فعالیت‌های قصابی است. برعکس نمونه‌های به‌دست آمده از ABC، نمونه‌های استخوانی TUV نشان می‌دهد که ساکنان منطقه TUV حتی اگر خودشان صاحب گله نبوده‌اند گوشت موردنیاز خود را به‌طور مستقیم‌تری دریافت می‌کردند. توزیع گونه‌های جانوری در TUV بر گونه بز تمرکز دارد و شواهدی از استخوان‌های غزال، خوک وحشی، اردک و کبک نیز در این مکان مشاهده شده است. پراکندگی اجزای بدن حیوانات در TUV بیان‌کننده این است که تمام لاشه حیوانات مورد استفاده قرار می‌گرفته و محل قرارگیری شکستگی‌های استخوان الگوی متفاوتی از کشتار در ABC را نشان می‌دهد که در کل ترسیم‌کننده طیف وسیعی از فعالیت‌های قصابی در این منطقه است. وقتی شواهد تحول کارکردی فضاها و بهره‌وری از گوشت دام در TUV را کنار هم می‌گذاریم، متوجه پیچیدگی‌ای روزافزون در دستیابی به منابع حیوانی و کاهش مداوم در تنوع حیوانات مورد استفاده در آن می‌شویم، به‌طوری که استفاده از گوشت گاو به‌مرور بسیار کم و استفاده از خوک، غزال و پرندگان در لایه معماری I دیده نمی‌شود. درنتیجه، شواهد جانوری نشان می‌دهد که ساکنان عالی‌رتبه ABC گوشت را از طریق کانال‌های بسیار کنترل‌شده دریافت می‌کردند و ساکنان اولیه TUV نیز (که هم‌دوره با افراد شاخص ABC بودند)، یا منابع دامی مورد مصرفشان را خودشان تولید می‌کردند و یا آن‌ها را به‌طور مستقیم از گله‌دارها می‌خریدند که نیازمند هماهنگی در سطوح بالاتر و یکپارچگی با اقتصاد فرمانطقه‌ای بوده است. به‌تدریج طی زمان، دسترسی به گله‌ها رفته‌رفته دشوارتر شد تا در آخرین لایه اقامت بانس در TUV (۳۰۰۰ تا ۲۸۰۰ پ.م.) تأمین گوشت برای افراد این منطقه از طریق کانال‌های غیرمستقیمی مشابه با کانال‌هایی که در ساختار عمومی اعیان‌نشین ABC وجود داشت، انجام می‌گرفت. بدین طریق داده‌های جانوری، تصویر تخصص‌گرایی و پیچیدگی

فعالیت‌های صورت‌گرفته در ساختمان‌های اعیان‌نشین ABC و منطقه سکونت‌گاهی TUV را تکمیل می‌کنند (Zeder & Blackman, 2003: 126-129).



نقشه ۱: حوضه رود کر و نام مناطق و محوطه‌های نام‌برده شده در متن

اتحادیه قبیله‌ای قشقایی جامعه دام‌پرور تمام‌وقتی بوده است که از سلسله‌مراتبی سیاسی - اجتماعی تشکیل و غالباً به وسیله چندین گروه متفاوت سازمان‌دهی، و هر گروه با یک رهبر اداره می‌شده است. گستره راهبردهای تولیدی این اتحادیه قبیله‌ای را می‌توان از دام‌پروری تمام‌وقت به شیوه کوچ‌روی تا کشاورزی تمام‌وقت کاملاً ساکن دانست (فیلد، ۱۳۴۳: ۲۶۵). در این اتحادیه راهبرد غالب تولید بر دام‌پروری متکی بوده و کشاورزی، تولیدات ثانویه دامی و دست‌بافته‌ها در درجات بعدی اهمیت داشته‌اند. اما برای رده بالای اجتماعی، زمین در درجه اول به منزله مهم‌ترین ابزار تولید (که اصلی اعتبار از محسوب می‌شده) و گله‌داری در درجه دوم، اهمیت داشته است (Salzer, ۱۹۳: ۱۹۷۴). سازمان‌بندی سیاسی - اجتماعی اتحادیه قبیله‌ای قشقایی متشکل از یک طبقه مالک و یک طبقه کارگر است. طبقه مالک، خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته‌هایی که توانایی تصمیم‌گیری سیاسی دارند، و دسته‌هایی که توانایی تصمیم‌گیری سیاسی ندارند. آن دسته‌هایی که توانایی تصمیم‌گیری سیاسی دارند در سلسله‌مراتبی عمودی از ایلخان، کلاتر، کدخدا و ریش‌سفید تشکیل و نظام می‌یابند (ایوانف، ۱۳۸۴؛ ابرلینگ، ۱۳۸۳؛ بک، ۱۳۹۶؛ Salzer, 1991). بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که جامعه قشقایی متشکل از یک طبقه کوچک حاکم ثروتمند و یک بخش بزرگ و پرجمعیت متشکل از توده مردمی است که به ابزار تولید (زمین، آب و احشام) دسترسی دارند و دو گروه کوچک دیگر (چوپان‌ها و پیشه‌وران) که برای بقا به دیگران وابسته هستند تشکیل شده است (بک، ۱۳۹۶: ۲۷۱؛ Holt, 1976). همانطور که اشاره شد اساس اقتصاد این اتحادیه مبتنی بر دام‌پروری است. اگرچه درجاتی از کشاورزی دیم که به میزان مصرف خانوار است نیز در برخی مناطق گرمسیری صورت می‌پذیرفته؛ اما اصولاً دام‌پروران تمام‌وقت قشقایی در یک چرخه سالانه و قاعده‌مند با هزاران دام خود به تولید و توزیع محصولات دامی مشغول بوده‌اند. مبادلاتی را که توسط این دام‌پروران تمام‌وقت انجام می‌شده است می‌توان به دو دسته مبادلات خرد و کلان تقسیم‌بندی کرد. مبادلات خرد بیشتر با روستاها در طول مسیر کوچ صورت می‌پذیرفته و در آن فرآورده‌های دامی (در میزان محدودی خود دام) با محصولات کشاورزی یا صنعتی مبادله می‌شده که اغلب چارچوبی اعتباری داشته است. مثلاً کالایی در بهار در مسیر رفت به خانواری در یک روستا تحویل داده می‌شد و در پاییز و مسیر برگشت به ازای آن کالاهای دیگری تحویل گرفته می‌شد. در نوع دوم، طرف مبادلات کلان، هم می‌توانند دام‌پروران تمام‌وقتی باشند که در پی افزایش دادن تعداد دام خود در قالب گله‌های مجزا هستند، و هم می‌توانند مصرف‌کنندگان در جوامع شهری باشند. اما آنچه در این میان اهمیت دارد به‌وجود آمدن یک پیوند دوجانبه اعتباری است که مؤلفه‌های ساختاری این پیوند را مراودات اقتصادی و مناسبات اجتماعی موجودیت می‌بخشند. علاوه بر این نکته‌ای که می‌توان از پیکربندی اقتصاد دام‌پروران تمام‌وقت قشقایی استنباط کرد، محدودیت در توسعه میزان ثروت است. طبق مطالعه بارث در میان باصری‌ها، تناسبی میان یک خانوار و تعداد دام آن‌ها برقرار است، به‌طوری که افزایش تعداد بیش از یک میزان در تعداد دام برای یک خانوار ناممکن و کم شدن از یک میزان

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حساری و همکار

(حدود ۶۰ رأس) به یکجانشینی آن‌ها جهت بازیابی گله منجر می‌شود (بارث، ۱۳۴۳: ۳۱-۴۲). به عبارتی خانوار به دام‌پروری روستا بنیادی روی می‌آورد که خارج از چرخه تحرک طولانی، مازاد تولید و سیستم مبادلاتی سالانه، به میزان مصرف داخلی خانوار تولید خواهد داشت. اما اگر تعداد گله از یک میزان بیشتر شد خانوار مجبور می‌شود تحرک‌های بلندمدتی را برای یافتن مرتع اتخاذ نماید. به عبارتی، افزایش در تعداد دام، آن‌ها را وارد چرخه سیستم تولیدی - مبادلاتی می‌کند تا اینکه گله به میزان استاندارد خود برسد که در میان دام‌پروران تمام‌وقت به مثابه مازاد تولید است. با توجه به اینکه مازاد تولید دامی قابلیت ذخیره‌سازی ندارد و شدیداً آسیب‌پذیر است، نخبگان جامعه دام‌پرور برای تثبیت ثروت به خرید زمین‌های کشاورزی و مراتع روی می‌آورده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱؛ بک، ۱۳۹۶: ۱۹۰؛ ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۱۳). در پی این محدودیت در میزان انباشت ثروت، نمودهای محدود متناظری در ساختارهای سیاسی و اجتماعی موجودیت یافته که سبب ایجاد ساختارهای اجتماعی و سیاسی کم‌تر توسعه‌یافته و عدم شکل‌گیری برخی نهادها همانند نهادهای مذهبی در میان دام‌پروران تمام‌وقت شده است. در پایان، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که جامعه دام‌پرور تمام‌وقت قشقای جامعه‌ای طبقاتی اقتصادی است (Beck, 1990: 13) که در یک سیستم به هم پیوسته اقتصادی و اجتماعی - سیاسی با جوامع یکجانشین به مبادلات اقتصادی خرد و کلان می‌پرداخته است. این جامعه از درون با یک سیستم مدیریت سیاسی اجتماعی رده‌بندی شده و با ایجاد مناسبات عمیق اجتماعی مراودات اقتصادی برون‌گروهی را کنترل می‌کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مدارک باستان‌شناختی ارائه‌شده در این مقاله استنباط کردیم که اقتصاد جوامع حوضه رودخانه کر در دوره بانش با توجه به عامل‌هایی چون تولید تخصصی، توزیع غیرمستقیم و مدیریت روابط اقتصادی از طریق سلسله‌مراتبی سازمان‌یافته، ساختاری «پیچیده» دارد که با تغییر الگوهای استقراری، فناوری تولید سفال و اتخاذ روش‌های نوین جمع‌داری کالا در رابطه‌ای علی است. افزون بر این برخی مؤلفه‌ها

همانند ساختمان‌هایی با ابعاد بزرگ و پراکنش متفاوت مواد فرهنگی درون آن‌ها به همراه نقاشی‌های دیواری در کنار الگوهایی چون دسته‌های استقرار، ابعاد استقرارهایی در قالب شهر و روستا و الگوی ارتباطی شکل گرفته در مناطق ABC و TUV در مقطعی از بانس میانه، می‌تواند نشان‌دهنده نظام رده‌بندی شده اجتماعی باشد. در این راستا از کنار هم قرار دادن شواهد باستان‌شناختی متوجه خواهیم شد که در جامعه بانسی حوضه رودخانه کر، کنترل تولید و توزیع کنندگان تخصصی کالاها از طریق نهادی مدیریتی بوده که می‌توانسته است مبادلات اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (جهت تجارت‌های راه دور) را به وسیله یک سیستم یکپارچه سیاسی نظام ببخشد. بر مبنای این روند تحولی دام‌پروری تمام‌وقت در راستای دیگر تخصص‌گرایی‌ها و در درون یک سیستم به هم پیوسته از عوامل عنوان شده موجودیت یافته است. همان‌طور که در بخش مقدمه مطرح شد مسئله‌های اصلی پژوهش حاضر این است که بدانیم چگونه جامعه دام‌پرور تمام‌وقت در سیستم اقتصادی - اجتماعی پیچیده سازمان یافته، چگونه راهبردهای تولید در جوامع دام‌پرور تمام‌وقت تطور یافته و بستر مبادلات محصولات دامی در حوضه رودخانه کر چگونه شکل گرفته است. ارائه چنین توضیحی با اتکا بر شواهد باستان‌شناختی به دلیل محدود بودن داده‌های مربوط به جوامع دام‌پرور تمام‌وقت اگر غیرممکن نباشد بسیار مشکل است. به همین دلیل برای ارائه تبیینی جامع‌تر با تکیه بر رویکرد حد وسط و یک قیاس تاریخی - مردم‌شناختی به مثابه پلی میان یک سیستم پویا و موارد ثبت شده باستان‌شناسی، استنباط نهایی صورت خواهد پذیرفت.

بینفورد «تئوری حد وسط» را ابزار دقیق شناسایی و اندازه‌گیری خصوصیات مشخص سیستم‌های فرهنگی گذشته می‌داند. وی بیان می‌کند که ما در این‌گونه از تحقیقات در پی ابزارهای قابل اعتماد شناختی و به عبارتی به دنبال «سنگ‌های روزتایی»^{۲۲} هستیم که به ما اجازه تبدیل دقیق مشاهدات ایستا به اظهارات پویا را بدهند (Binford, ۱۹۸۱: ۲۵). بینفورد نظریه حد وسط را به عنوان پل فراهم‌کننده منطقی - تجربی میان پدیده‌های ایستای موجود در ثبیتات باستان‌شناسی و پویایی رفتاری که در گذشته سبب شکل‌گیری این پدیده‌های ایستا می‌شده در نظر گرفته است. از آنجایی که قیاس نوعی روش استدلال بر پایه شباهت است (عبدی، ۱۳۹۲: ۱-۳)، با توجه به شباهت‌هایی که

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

در راهبردهای تولیدی و اقتصاد مبادلاتی جامعه دام‌پرور تمام‌وقت معاصر در حوزه‌ای متناظر با یافته‌های باستان‌شناختی وجود دارد، در ادامه به تبیین و تفسیر برخی مؤلفه‌های قابل قیاس خواهیم پرداخت و چند مدرک باستان‌شناختی در این زمینه ارائه خواهیم داد.

با رجوع به منابع تاریخی و مردم‌شناسی اتحادیه قبیله‌ای قشقایی می‌توان به دو عامل بنیادین بسیار مهم دست یافت که قابل کاربست در قیاس موردنظر پژوهش است. نخست: همان‌طور که پیش از این عنوان شد، گله در میزان استاندارد خود در میان دام‌پروران تمام‌وقت به‌مثابه مازاد تولید است. بنابراین، بدون ایجاد کشش از سوی یک بازار هدف، دام‌پروری تخصصی بر مبنای تولید مازاد و تحرک نظام‌مند بدون توجیه خواهد بود. در این راستا شواهد جانور - باستان‌شناسی علاوه بر آشکار کردن تغییر الگوی مصرف و توزیع گوشت در بانس میانی، نشان می‌دهد که در فازهای بانس میانی و جدید در هر دو منطقه ABC و TUV شواهد مبنی بر کاهش چشمگیر بهره‌وری بز نسبت به گوسفند وجود دارد (Zeder, 1991: 140, Table 26) با توجه به اینکه بزهای ماده نسبت به گوسفندان ماده شیر بیشتری تولید می‌کنند (Dahl, 2005: 94-97)، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مدیریت دام در فنِ فرآوری محصولات دامی از تولید شیر به سمت تولید پشم و گوشت تطور یافته است. این امر نشان‌دهنده تغییر محور راهبرد مصرف خانگی دام به محور تولید و مبادله آن است. چنین الگوی مشابهی در ماهیت تولید و فرآوری محصولات دامی که در راستای نیاز بازار باشد تا مصارف خانگی، در میان دام‌پروران معاصر مردم‌مطالعه وجود دارد. به‌طوری که ترکیب گله قشقایی‌ها همانند بختیاری‌ها (دیگار، ۱۳۶۹: ۶۴) بیشتر متشکل از گوسفند است و به‌ندرت دامی زیر بازه سنی ۴ تا ۵ ماه ذبح می‌شود. از آنجایی که اگر هدف تولید دامی، لبنیات باشد نوزادهای نر در اولین ماه‌های حیات ذبح می‌شوند (مشکور، ۱۳۷۴: ۴۶) می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جوامع دام‌پرور تمام‌وقت معاصر نیز راهبردی مشابه با جوامع دام‌پرور تمام‌وقت بانسی دارند که متکی بر تولید گوشت و پشم به‌جای شیر، یا به عبارتی تولید به‌قصد مبادله است تا مصارف خانگی. درنهایت، با روی هم گذاشتن شواهد جانور - باستان‌شناسی می‌توان این‌گونه تصور کرد که تغییر در الگوی

مصرف از سوی جوامع یکجانشین بانس میانی در راستای تغییر دسترسی به دام متأثر از وجود دام‌پروران متخصص تمام‌وقت، تغییر در فن فرآوری دام و محصولات وابسته به آن و متأثر از نیاز جوامع یکجانشین (بازار هدف) به گوشت و پشم بوده است.

دوم: حضور فصلی دام‌پروران تمام‌وقت در یک سیستم استقراری نیازمند دو عامل کنترل‌کننده درونی و بیرونی است تا علاوه بر سازمان‌دهی مناسبات اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی درون‌گروهی بتواند به برقراری ارتباط با دیگر گروه‌های متحرک و یکجانشین و همچنین کنترل روابط دوجانبه اقتصادی و اجتماعی با آنها مبادرت ورزد. اهمیت این موضوع از آنجا بیشتر می‌شود که با توجه به موضوع سفالگران سیار (Alden & Minc, 2016) احتمالاً دام‌پروران تمام‌وقت تنها گروهی نبوده‌اند که به‌طور فصلی در حوضه رودخانه کر حضور داشته‌اند. افزون بر این، وجود متناظر چنین سازمانی در میان جوامع یکجانشین که بتواند مؤلفه‌های مذکور را کنترل کند ضروری است. بنابراین موجودیت سیستم‌های یکپارچه‌کننده منطقه‌ای برای تعاملات درون و برون‌گروهی از الزامات ابتدایی مراودات اقتصادی و اجتماعی دو جامعه با ساختارهای معیشتی متضاد و مکمل است. همان‌طور که از مدارک تاریخی و مردم‌شناختی استنباط کردیم نهادهای نظارتی در قالب سلسله‌مراتب اجتماعی در هر دو جامعه (دام‌پرور و کشاورز/ صنعتگر) وجود داشته و عواملی از سوی آنها به یکپارچه کردن منطقه جهت ایجاد بستری مساعد برای تولید و مبادله کالاها در فعالیت بوده‌اند. در این راستا و با رجوع به مدارک باستان‌شناسی موجود مشاهده می‌کنیم که عنصر یکپارچه‌کننده منطقه‌ای که احتمالاً توسط یک نیروی تصمیم‌گیرنده مرکزی در منطقه اعمال می‌شده است در یک روند تحولی از بانس آغازین در حال شکل‌گیری بوده است. الگوهای استقرار و الگوی توزیع صنایع در حوضه رودخانه کر نشان می‌دهد که در دوره انتقالی لپویی متأخر به بانس آغازین، میزانی از هم‌بستگی ساده در سازمان‌دهی اجتماعی - اقتصادی مشاهده می‌شود؛ ولی هیچ اثر و نشانه‌ای از ائتلاف اقتصادی منطقه‌ای یا تفکیک و تمایز سیاسی در حوضه رودخانه کر وجود ندارد. اما در دوره بانس آغازین با پدیدار شدن سلسله‌مراتب دورتبه‌ای در اندازه سکونت‌گاه‌ها و با توجه به الگوهای تولید و توزیع سفال می‌توان یک اقتصاد بسیار قوی و یکپارچگی سیاسی درون منطقه

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

را استنباط کرد (Alden, 2013: 222-223). در ادامه این روند تحولی، ملیان در فاز بانس میانی به‌منزله یک نقطه کانونیِ اداری در راستای ترکیب تخصص‌های اقتصادی مجزا در منطقه ایفای نقش می‌کرده و تأثیر مهمی در یکپارچه‌سازی و ارتباط میان دو سیستم سیاسی و اقتصادی در حوضه رودخانه کر داشته است. تولیدات تخصصی، بناهای یادمانی، گل‌نوشته‌های آغاز ایلامی، مهر و مهر و موم ظروف که نشان‌دهنده سیستم پیچیده اداری است، امکان تصور از ملیان بانس میانه‌ای (که به درجاتی از توسعه‌یافتگی سیاسی - اقتصادی رسیده است) به‌منزله یک کانون شهری و نهاد پیش‌حکومتی را فراهم می‌سازد؛ یعنی همان زمانی که مردمان ملیان به‌طور فعال با جوامع دام‌پرور تمام‌وقت در ارتباط بوده و شاهد تغییر الگوی مصرف خود و تغییر راهبردهای تولیدی در دام‌پروران تمام‌وقت بوده‌اند.

در این مقاله با تطبیق و مقایسه شواهد تاریخی و مردم‌شناختی با شواهد باستان‌شناختی به تشابهات قابل اتکایی در عوامل بنیادین مؤثر در میان جوامع دام‌پرور معاصر جهت موجودیت و برقراری ارتباط اقتصادی با دیگر گروه‌ها دست یافتیم. در میان جوامع دام‌پرور معاصر عوامل فرهنگی بسیاری در راستای برقراری و تداوم رابطه اقتصادی با جوامع یک‌جانشین اثرگذار هستند که قسمت بزرگی از این کنش‌های فرهنگی نمود مادی نداشته و قابل مطالعه در حوزه باستان‌شناسی نیستند. اما آن قسمت از شواهدی که در این مقاله ارائه شد در قالب موارد، تفسیر تفسیر مدارکی است که توسط دیگر پژوهشگران در راستای موجودیت جوامع دام‌پرور در حوضه رودخانه کر ارائه شده است. دست‌یابی استنباطی و قیاسی به ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع دام‌پرور تمام‌وقت دوره بانس حوضه رودخانه کر گرچه راهی بسیار دور و پر از ابهام دارد؛ اما تنها روشی است که تا زمان به‌دست آمدن شواهد مستقیم باستان‌شناختی از جوامع دام‌پرور تمام‌وقت می‌توان از آن بهره برد. درنهایت، فراتر از مواد فرهنگی شاید بتوان تصور کرد که جوامع دام‌پرور تمام‌وقت دوره بانس به درجاتی از پیچیدگی اقتصادی - اجتماعی رسیده بوده‌اند تا بتوانند هر ساله در یک چرخه قاعده‌مند به مبادله دام با کالاهای موردنیاز خود بپردازند. تصور می‌شود آن‌ها امنیت تداوم مبادله‌ها را از طریق راهکارهای فرهنگی اعتبارزا تأمین، و با بهره‌گیری از این مهم به انسجام اجتماعی

- اقتصادی بیناگروهی دست یافته بوده‌اند. گستره تحرک این جوامع رفته‌رفته با افزایش جمعیت در حوضه رودخانه کر افزایش یافته و در راستای این گسترش، سیستم‌های اجتماعی - سیاسی پیچیده‌تری در میان آن‌ها شکل می‌گیرد تا حدی که در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران تاریخی تا دوران معاصر نقش‌های اثرگذاری ایفا کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در بین‌النهرین نیز هم گسترش دام‌پروری تمام‌وقت در تعاقب توسعه کشاورزی با کانال‌های آبیاری معرفی شده است (Lees & Bates, 1974).
۲. ممکن است بازدهی بیشتر محصولات کشاورزی مبتنی بر شیوه آبیاری دائم، رشد جمعیت و گسترش یک‌جانشینی و در نتیجه افزایش زمین‌های اختصاص داده‌شده به کشاورزی عمیق و سبب توسعه راهبرد تولیدی دام‌پروری شده باشد. این امر همچنین دادوستد میان مناطق را گسترش داده و تفاوت تمهیدی میان گروه‌های کشاورز و دام‌پرور، به تمایزهای مکانی و فرهنگی انجامیده و در نتیجه، دو گروه متفاوت دام‌پرور و کشاورز پدید آمده است (بیتس، ۱۳۹۰: ۲۵۷).
۳. mobile pastoralism: شکلی از دام‌پروری است که شامل جابه‌جایی دام‌ها در فراسوی محدوده زمین‌های کشاورزی روستاییان می‌شود. این جابه‌جایی معمولاً با چند روز پیاده‌روی صورت می‌گیرد که از روستا دور می‌شوند.
۴. transhumans pastoralism: این گونه از دام‌پروری، شکل تخصصی‌شده‌ای از همان نوع قبلی، یعنی دامداری متحرک است که مبتنی بر یک محل سکونت (و انتقال جوامع انسانی به همراه گله) می‌شود؛ اما تفاوتی که دارد این است که محل سکونت به صورت اردوگاه، با توجه به جابه‌جایی فصلی دام در بین مراتع برپا می‌شود.
۵. nomadic pastoralism: این شیوه از دام‌پروری تحرک در حد نهایی و گسترده آن است. درواقع شیوه‌ای معیشتی است که اساس آن بر دام‌پروری کامل و تغییر محل سکونت قاعده‌مند در طول سال متکی است. این تغییر و جابه‌جایی مرتب در امتداد مسیرهای افقی یا عمودی انجام می‌گیرد که منزلگاه‌های موقت اردوگاهی در آنجا ساخته می‌شده است.

۶. Plantago

7. Lanceolata

۸. چنین الگویی را می‌توان در محوطه‌های قدیم‌تر از مهرعلی مانند تل‌باکون، تل جری و تل موشکی (Mashkour et al., 2006) محوطه‌های هم‌زمان با تپه مهرعلی مانند تل‌اسپید (Mashkour,)

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حساری و همکار

۲۰۰۶) محوطه‌های جدیدتر از تپه مهرعلی مانند تل ملیان (Zeder, 1985) نیز می‌توان مشاهده کرد.

۹. همچنین داده‌های برآمده از تحلیل مصنوعات سنگی نیز در راستای تأیید دیدگاه کشاورزی ضعیف و محدود در این محوطه به‌نظر می‌آید. با توجه به نادر بودن فن روتوش‌های خاص مانند دندانه‌دار، اسکنه و یا کنگره‌دار، ساختار کشاورزی ضعیف قابل تصدیق است (سرداری و دیوارگر، ۱۳۹۱).

۱۰. شروع فاز بانس آغازین با ظهور، جام‌ها و سینی‌های بانسی مشخص می‌شوند (Alden, 1979: ۵۰). در این فاز تولید تخصصی سفال‌های آمیزه شنی در دو محوطه صورت می‌پذیرفته است؛ تل کوره به‌عنوان تولیدکننده سفال‌های آمیزه شنی (Alden, 1979: 160) و تل قریب به‌عنوان تولید و توزیع‌کننده سفال‌های آمیزه شنی در بانس آغازین شناخته شده‌اند (Alden, 1979: 50-160; Sumner, 1986: 200). از ویژگی برجسته بانس آغازین می‌توان به تعداد اندک و غیرمعمول سکونت‌گاه‌ها اشاره کرد. بسیاری از محوطه‌های بانس آغازین در حاشیه دره و در نزدیکی کوه‌های کوچک نزدیک به بستر دره که دسترسی به آب چشمه‌های جریان‌یافته از کوهپایه‌ها آسان بوده است پراکنده شده بوده‌اند (Sumner, 1986: 202) به‌طور کلی، سیستم استقرار بانس آغازین متشکل از حداقل ۲۹ روستای کوچک بوده که به ترکیبی از کشاورزی و احتمالاً گله‌داری متکی بر پرورش گوسفند و بز مشغول بوده است. اگرچه فقط یک سلسله‌مراتب دو رده‌ای از اندازه سکونت‌گاه‌ها (دسته استقرار محوطه‌هایی به‌اندازه روستا و شهرک) در طول این فاز پدیدار می‌شود؛ اما الگوهای تولید و پخش سفال‌ها و همچنین انباشتگی خرده‌ظروف سنگی در تل قریب بیانگر وجود اقتصادی بسیار قوی منطقه‌ای و حتی به‌احتمال زیاد، یکپارچگی سیاسی در منطقه است (Alden, 2013: 223).

۱۱. بانس میانی: این فاز که حدود سال‌های ۳۲۵۰ تا ۲۹۵۰ پ.م. را دربر می‌گیرد، در کارگاه‌های TUV:I-III و ABC:II-V تل ملیان، شناخته شده است (Nicholas, 1981; Sumner, ۱۹۹۰, ۱۹۸۶, ۱۹۷۶, ۱۹۷۴). ظهور اولین نشانه‌های فرهنگ آغاز ایلامی در حوضه رود کر در بازه زمانی بانس میانی (معادل شوش ۱۴-۱۶ آکروپول، Le Brun, 1971; Sumner, 1986) است. در زیر فاز پایان بانس میانی ملیان به حدود ۴۵ تا ۵۰ هکتار رشد می‌کند. در این محوطه شواهدی از تولیدات تخصصی، بناهای یادمانی، گل‌نوشته‌های آغاز ایلامی، مهر و مهرموم ظروف، نشان‌دهنده سیستم پیچیده اداری است (Sumner, 2003: 113-117). اگرچه جمعیت روستاها از جمله قریب در فاصله زمانی بانس آغازین و میانی کاهش یافته است، اما این کاهش جمعیت روستاها برای توضیح رشد ملیان در تعاقب انتقال جمعیت از روستاها به ملیان، به‌طور کامل کافی نیست (ibid: 113).

۱۲. بانس متاخر: این فاز که حدود سال‌های ۲۹۵۰ تا ۲۷۰۰ پ.م. را در برمی‌گیرد، مدتی پس از متروک شدن لایه ۲ ساختمانی ABC و لایه ۲ ساختمانی TUV، آغاز می‌شود. فاز بانس جدید در یافته-

های ترانشه BY8 (Sumner, 1985)، لایه‌های ۱۳ تا ۸ گمانه‌های TTW1 (Abdi, 2001) و لایه I ساختمانی TUV، گمانه‌های ایجادشده سال ۲۰۰۴ در YBR (Alden et al., 2005) و یافته‌های سطحی TUV، شناسایی شده است. سیستم استقرار بانس جدید، با یک شهر و تعدادی روستای کوچک، بسیار شبیه به سیستم استقرار دربانس فاز میانی ست، با این حال مجموعه ناحیه استقرار برآورده شده اساساً از ۶۰ هکتار به حدود ۳۶ هکتار کاهش می‌یابد (Alden, 2013: 224). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این فاز شکل‌گیری یک دیوار ضخیم ۵ کیلومتری است که حدود ۲۰۰ هکتار از شهر را احاطه کرده است. این دیوار شامل یک دیوار بیرونی است که بر روی شالوده‌ای از سنگ‌های بزرگ بنا شده و حداقل دو دیوار موازی داخلی دارد که توسط آجرهای مستحکم به قطر ۵ متر چیده شده است (Sumner, 1986).

۱۳. ترانشه ABC در جانب شمال غربی محوطه و در میان قسمت‌های مرتفع شهر واقع شده است. این ترانشه دارای ۵ لایه معماری است که لایه ۵ قدیم‌ترین و لایه ۱ جدیدترین است که متعلق به دوره کفتری است. معماری لایه ۵ که طراحی و ساخته باکیفیتی دارد، دارای ۱۳ اتاق یا حیاط است که ۶ عدد از آن‌ها دارای اجاق هستند. کاربرد فضای این لایه دقیقاً مشخص نیست؛ اما به نظر می‌رسد یک فضای خانگی با طراحی بسیار خوب بوده است و در پایان برای ساخت لایه ۴ تخریب شده است (Sumner, 1974) در لایه معماری ۴ در ترانشه ABC که احتمالاً کارکردی خانگی داشته، شواهدی از تولید غذا، تولیدات صنعتی در مقیاس کوچک و فعالیت‌های اداری نیز مشاهده شده است. احتمالاً ملیان در این بازه زمانی به یک دسته کوچک استقرار همانند تل قریب تبدیل شده بوده است (Alden, 1982a; Sumner, 1986). در لایه ۴ همانند لایه قبلی بعضی دیوارها به رنگ‌های سیاه و سفید نقاشی، و از سنگ برای ساختن شالوده دیوارها استفاده شده است. در لبه غربی لایه معماری ۴ شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد دیوارهایی سکونت‌گاه‌های کوچک این منطقه با دیوارهایی محصور شده بوده‌اند. همچنین شواهدی از وجود چنین دیواری اطراف TUV به دست آمده است (Alden, 1979: 200-201). بعدها این سکونت‌گاه‌های کوچک توسط دیوار اصلی شهر در دوره بانس جدید محصور شده‌اند. پایه دیوارهای لایه ۳ در لایه ۴ قرار گرفته و تمام اتاق‌های این لایه با رنگ قرمز (به جز دو اتاق که از رنگ سفید استفاده شده) نقاشی، و چارچوب درب‌ها به رنگ سفید و زرد و کف نیز به رنگ سفید رنگ‌آمیزی شده بوده است (Sumner, 1974). این لایه معماری از ۱۷ اتاق مستطیل شکل با دیوارهای ضخیم با مصالحی از خشت و گل در ابعاد یک ساختمان بزرگ بودند نیز ساخته شده است. درباره کارکرد فضایی معماری این لایه می‌توان پیشنهاد داد که این فضاها یا بخشی از یک مجموعه خانگی متعلق به یک جامعه نخبه تابع یک سازمان بوده، یا اینکه کارکردی اداری داشته است. علاوه بر نقاشی‌های دیواری مؤلفه‌های قابل توجهی چون، سفال با تزیینات نقش برجسته استثنایی، زینب‌آلات شخصی، مهر و موم و گل‌نوشته‌ها، وجود قطعات سفالی با ابعادی کوچک‌تر از حد معمول در دو اتاق از لایه

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

معماری III که می‌تواند ناشی از رفت‌وآمدهای بیش‌ازحد در این فضاها باشد (Alden, 2003: ۱۲۰-۱۰۹)، همگی نشان‌دهنده وضعیت نخبگان ساکن در این محوطه در دوره بانس میانی است که شاخصه‌های جامعه‌ای در سطح بالای اجتماعی و اقتصادی به‌شمار می‌رود (Sumner, ۱۹۷۴). البته شواهدی هم از سنگ چخماق، استخوان، سفال آمیزه کاهی به‌دست آمده است که نشان‌دهنده فعالیت‌های معمولی خانگی است (Sumner, 2003: 41). لایه معماری ۲ آخرین لایه بانس ترانشه ABC است. اگرچه کاربری اصلی این لایه نامعلوم است؛ اما ظاهر کارکردی آن به‌منزله یک انبار (مسدود کردن درها نشان‌دهنده کنترل فعالیت‌های ذخیره‌سازی با ایجاد مهروموم اتاق‌هاست) با شواهدی از فعالیت‌های اداری است. تنوع و ویژگی اشیای یافت‌شده در این لایه نشان‌دهنده وجود تجارت در مسافت طولانی است (ibid: 40-41).

۱۴. ترانشه TUV در فاصله ۹۰۰ متری از ترانشه ABC واقع شده است. کاوش‌های انجام‌گرفته در TUV بخش‌هایی از سه لایه ساختمانی از فاز بانس میانی را آشکار می‌کند که در یک روند تحولی، شواهد متفاوتی از ساختار معیشتی در این فاز را در جانب شرقی ملیان، آشکار می‌سازد. بیشتر فعالیت‌های تولیدی در منطقه TUV که بر مبنای اشیای به‌دست‌آمده از سه لایه معماری بانس میانی آن استوار است، می‌توان به تولید ابزار سنگی، دست‌ساخته‌هایی از جنس صدف، فلزگری، تولید محصولات غذایی، ساختن اشیای تزئینی شخصی، نساجی، سفالگری، نجاری، سبد و بوریاپی اشاره کرد. به‌طور کلی در هر لایه معماری TUV سه فعالیت عمده منعکس شده است؛ اول آماده‌سازی غذا که بر شواهدی چون اجاق‌های متعدد، تراکم بالای بقایای جانوری و تعداد زیادی از بشقاب‌ها با آمیزه کاه برای سرو غذا متکی است. دوم انبار و پردازش اطلاعات مبادلات اقتصادی که از شواهدی چون ظروف بزرگ ذخیره‌سازی، مهروموم درها و خمره‌ها، گوی‌های شمارشی، گل‌نوشته‌های آغاز ایلامی، و سوم تولید تخصصی اشیای زینتی که از طریق مشاهده حضور مواد کمیاب و پسماندهای تولیدی، قابل استنباط هستند (Nicholas, 1990: 126-129). با در کنار هم قرار دادن مدارک مذکور می‌توانیم هم‌پوشانی کارکردی مسکونی/صنعتی - اداری برای TUV ترسیم کنیم. فراتر از کارکردهای این بخش از ملیان، به‌نظر می‌رسد که منطقه TUV به‌عنوان یک حومه به‌صورت موازی با منطقه اصلی ABC مراوده اقتصادی داشته است (Nicholas, 1981). وجود گل‌نوشته‌هایی با عناصر ساختاری متفاوت در TUV و ABC در کنار هم، و تفاوت‌های موجود در اندازه محتویات یادداشت‌شده در این گل‌نوشته‌ها (به‌نظر استولپر (۱۹۸۵: ۱۱) در گروهی از گل‌نوشته‌های به‌دست‌آمده در ABC مقدار لیست‌شده خلاصه‌ای از مقدار لیست‌شده در TUV است) بیانگر وابستگی اقتصادی و یک مدرک مهم برای اثبات حومه‌ای بودن TUV به‌شمار می‌رود. با درنظر داشتن تمام شواهدی که از کاوش‌های این منطقه به‌دست آمده است، می‌توان پیشنهاد داد که TUV یک‌نهاد (پیش) حکومتی سکولار بوده است که از

ساکنان مالیات دریافت می کرده و در مبادلات منطقه‌ای حوضه رودخانه کر شرکت داشته است (Nicholas, 1990: 131-132).

۱۵. به‌طورکلی سفال‌های دوره بانس در فارس را می‌توان به دو دسته بزرگ سفال با آمیزه شن و آمیزه کاه تقسیم کرد. سفال با آمیزه شن که کمیت بیشتری نسبت به سفال با آمیزه کاهی دارد، عموماً دارای میزان پخت کافی است و رنگ خمیره آن در طیفی از قهوه‌ای کم‌رنگ تا قرمز و میزان مقاومت آن از سست تا پایدار و همچنین تراکم آن از متخلخل تا بسیار فشرده در نوسان است (Alden, 1979: 210-211). از آنجایی که سفال با آمیزه شن فقط در چند محوطه در مجاورت دامنه‌های کم‌شیب حاشیه شمالی دشت (کوه کرون) تولید می‌شده، یقیناً در دیگر محوطه‌های دره رود کر توزیع می‌شده‌اند (ibid: 91-93).

۱۶. این ظروف از خاک رس نسبتاً تصفیه‌شده با آمیزه گیاهی درشت، خمیره غیرفشرده نرم و در کوره‌های باز ساخته می‌شده‌اند. رنگ سطح این سفال‌های عموماً از زرد متمایل به قرمز تا قرمز روشن در نوسان است. این نوع سفال‌ها در چهار نوع کاسه‌های لبه وارخته، سینی‌های بانسی، ساغرهای گردن‌دار، کاسه‌های با آمیزه کاه متخلخل و چند گونه نادر مانند سینی‌های لبه وارخته و کاسه‌های لوله‌دار ساخته می‌شده‌اند. در این میان سینی‌های بانسی، جام‌های گردن‌بلند با بدنه زاویه‌دار در مکان‌های مشخصی از حوضه رودخانه کر تولید می‌شده‌اند (در سه محوطه ۸G۳۵، ۷G۱۶ و ۸G۳۷، که در اطراف مناطق باتلاقی دره هستند)؛ اما هیچ مدرکی از تولید و توزیع کاسه لبه وارخته وجود ندارد و به‌نظر می‌رسد در همان مکانی که مورد استفاده قرار می‌گرفته، ساخته می‌شده است (ibid: 102-212).

۱۷. در سیستم‌های توزیع مستقیم، هر سکونت‌گاه کالاهای موردنیاز خود را بی‌واسطه از مکان تولید آن تهیه می‌کند. اما در سیستم توزیع غیرمستقیم مراکزی برای توزیع کالا موجودیت می‌یابند که به‌عنوان واسطه میان مراکز تولیدی و مصرفی نقش ایفا می‌کنند که این عامل سبب کاهش هزینه تأمین کالا می‌شود (ibid: 10-11). یکی از کالاهایی که در حوضه رودخانه کر به این شیوه توزیع می‌شده است سفال لبه نیشگونی است که در محوطه ۷F۱ تولید و در دیگر محوطه‌ها از ۸G۳۵ این نوع سفال را تهیه می‌کرده‌اند (Alden, 1982: 89-99).

۱۸. در ابزارهای یافت‌شده در ملیان با توجه به تعداد اندک سنگ مادر و پراکندگی و استفاده غیرمتمرکز، تیغه‌ها نشان‌دهنده کنترل بالا در تولید و فرآوری ابزارهاست که نشانه‌ای از تخصصی-سازی تولید دست‌افزارهای سنگی است (Sumner, 2003: 91). استمرار کاهش آماده‌سازی ابتدایی سنگ مادر در ترانشه ABC و تجارت افسیدین (Blackman, 1984) را می‌توان تا اندازه‌ای به‌عنوان نشانه‌هایی از درجه‌های تخصصی شدن در تهیه و توزیع مواد خام سنگی از دیگر مکان‌ها، تفسیر کرد.

۱۹. Clinoptilolite

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

۲۰. فلزات به‌دست آمده از حفاری ملیان شامل مس، سرب و طلاست که نشان می‌دهد فلزگران دوره بانس تا اندازه‌ای با فنون پیچیده فلزگری آشنایی داشته‌اند؛ اما هیچ سرباره یا بوته فلزگری و همچنین تکه‌های سنگ معدن، به‌طور گسترده در مناطق تولیدات فلزی موردبررسی به‌دست نیامده است (Alden, 1979:127-131).

۲۱. اطلاعاتی که از اتحادیه قبیله‌ای قشقایی ارائه می‌شود مربوط به پیش از فروپاشی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این اتحادیه پیش از انقلاب‌های صنعتی، تکنولوژیکی، سیاسی و اجتماعی دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی است.

22. Rosetta stone

منابع

- ابرلینگ، پیر (۱۳۸۳). *کوچ‌نشینان قشقایی*. ترجمه فرهاد طیبی‌پور. تهران: پردیس دانش.
- ایوانف، میخائیل سرگی یویچ (۱۳۸۴). *عشایر جنوب*. ترجمه کیوان پهلون و معصومه داد. تهران: آرون.
- آسکالونه، انریکو (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی جوامع ایران باستان (در هزاره سوم پیش از میلاد)*. ترجمه سید منصور سید سجادی. تهران: سمت.
- بارث، فردریک (۱۳۴۳). *ایل باصری*. ترجمه کاظم ودیعی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- بک، لوئیز (۱۳۹۶). *قشقایی‌های ایران*. ترجمه حمیدرضا جهان‌دیده. قم: نظاره.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۹۰). *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- دیگار، ژان پی (۱۳۶۹). *فنون کوچ‌نشینان بختیاری*. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- سامنر، ویلیام (۱۳۷۷). «بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای در خاور نزدیک: نمونه‌ای از ایران». ترجمه کامیار عبدی. *باستان‌شناسی و تاریخ*. س ۱۳. ش ۱. صص ۳۶-۵۰.
- سرداری، علیرضا (۱۳۹۰). *تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی - اقتصادی فرهنگ‌های شمال فارس (اقلید) در دوره مس - سنگی بر اساس کاوش‌های تپه مهرعلی*. پایان‌نامه دکتری. رشته باستان‌شناسی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- _____ (۱۳۹۲). «دوره لپویی در فارس». *باستان‌پژوه*. س ۱۵. ش ۲۰. صص ۲۷-۴۶.

- سرداری، علیرضا و مهدیه دیوارگر (۱۳۹۱). «فرایند تولید صنایع سنگی تپه مهرعلی فارس در بستر فرهنگ‌های اواخر پیش از تاریخ». *پیام باستان‌شناسی*. س ۹. ش ۱۸. صص ۱۷-۳۶.
- شیخی، شیوا و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی اقتصاد زیستی ساکنان دوره لپویی محوطه مهرعلی فارس بر اساس مطالعه بازمانده‌های استخوان جانوری». *باستان‌شناسی ایران*. ش ۲. صص ۳۹-۶۰.
- زیدی، محسن (۱۳۸۳). *الگوی پراکندگی و نوسان‌های جمعیتی فرهنگ‌های پیش از تاریخ تا دوران اسلامی در دره‌های رود کر، شمال غربی فارس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۰). *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- _____ (۱۳۸۷). *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان*. شهرکرد: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چهارمحال و بختیاری.
- عبدی، کامیار (۱۳۹۲). «باستان‌شناسی، قیاس مردم‌شناختی و باستان‌مردم‌شناسی». *باستان-پژوه*. س ۱۵. ش ۲. صص ۱-۱۳.
- فیلد، هنری (۱۳۴۳). *مردم‌شناسی ایران*. ترجمه عبدالله فریار. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- مشکور، مرجان (۱۳۷۴). «باستان جانورشناسی و اهمیت آن در باستان‌شناسی». *سازمان میراث فرهنگی*. ش ۱۳. صص ۴۲-۴۷.
- نوبری، علیرضا و همکاران (۱۳۹۱). «توسعه فرهنگی جوامع شمال فارس در دوره باکون: تپه مهر علی». *مطالعات باستان‌شناسی*. د ۴. ش ۲ (پیاپی ۶). صص ۸۳-۱۰۱.

- Abdi, Kamyar. (2003). The early development of pastoralism in the Central Zagros Mountains. *Journal of World Prehistory*, 17(4), 395-448.
- _____ (2015). Towards an Archaeology of Pastoralism: The Near East and Beyond, *International Journal of the Society of Iranian Archaeologists*, Vol. 1, No. 2, pp 1-27.
- Alden, J. R. (1979). *Regional Economic Organization in Banesh Period, Iran*. University of Michigan (Doctoral dissertation, Ph. D. dissertation).

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حساری و همکار

- Alden, John. R. (1979). *Regional Economic Organization in Banesh Period Iran*. Unpublished PhD Thesis. University of Michigan, Ann Arbor.
- ——— (1982a). *Market place exchange as indirect distribution: An Iranian example*. *Contexts For Prehistoric Exchange*. New York: Academic Press, pp. 83-102.
- ——— (1982b). Trade and Politics in Proto-Elamite Iran. *Current Anthropology*, 23.6: 613-640.
- ——— (2003a). Shred saize and the banesh phase occupation in the ABC opration at malyan, Iran. In *yeki bud, yeki nabud, Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*. Naomi F "Miller and Kamyar Abdi (eds). Los Angeles: Cotsen Institute of Archaeology, University of California.
- ——— (2003b). Appendix D—Excavations at Tal-e Kureh. In W.M. Sumner (ed.), *Early Urban Life in the Land of Anshan: Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran, Malyan Excavation Reports, III. University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, Pennsylvania: 187–98, D181–D188*.
- ——— (2013). The Kur River Basin in the Proto-Elamite era -surface survey, settlement patterns, and the appearance of full-time transhumant pastoral nomadism. *Ancient Iran and its neighbours: Local developments and long-range interactions in the fourth millennium BC*, 207-232.
- Alden, J. R., Heskell, D., Hodges, R., Johnson, G. A., Kohl, P. L., Korfmann, M. & Marchese, R. T. (1982). Trade and Politics in Proto-Elamite Iran [and Comments and Reply]. *Current Anthropology*, 613-640.
- Alden, J. R (2003). Appendix D—Excavations at Tal-e Kureh. In W.M. Sumner (ed.). *Early Urban Life in the Land of Anshan: Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran, Malyan Excavation Reports, III. University of Pennsylvania Museum of*

- Archaeology and Anthropology, Pennsylvania*, 187–98, D181–D188.
- Alden, J. R., Abdi, K., Azadi, A., Biglari, F., & Heydari, S. (2004). Kushk-e Hezar: A Mushki/Jari period site in the Kur river basin, Fars, Iran. *Iran*, 42 (1), 25-45.
 - Alden, J. R., & Minc, L. (2016). Itinerant potters and the transmission of ceramic technologies and styles during the Proto-Elamite period in Iran. *Journal of Archaeological Science: Reports*, 7, 863-876.
 - Alizadeh, Abbas (1994). Social and Economic Complexity and Administrative Technology in a Late Prehistoric Context. *Piera Ferioli, E. Fiandra, GG Fissore, and M. Frangipane. Rome: Scriptorium*, 35-57.
 - ——— (2003). Some observations based on the nomadic character of Fars prehistoric cultural development. *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner, The Cotsen Institute of Archaeology, University of California, Los Angeles*, 83-97.
 - ——— (2006). *The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran*. Oriental Institute Publications, Chicago.
 - ——— (2009). Prehistoric mobile pastoralists in south-central and southwest Iran. In *Nomads, Tribes, and the State in the Ancient Near East: Cross-Disciplinary Perspectives, Oriental Institute Seminars, Chicago* (pp. 129-145).
 - ——— (2010). The Rise of the highland elamite State in Southwestern Iran. *Current Anthropology*, 51(3), 353-383.
 - Amiet, P. (1993). The Period of Irano- Mesopotamian contacts 3500-1600 BC. In *Early Mesopotamia and Iran: Contact and Conflict, 3500-1600 Bc. Proceeding of a Seminar in memory of Vladimir G. Lukonin, John Curtis. British Museum*.

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حساری و همکار

- Beck, L. (1990). Tribes and the state in nineteenth-and twentieth-century Iran. *Tribes and state formation in the Middle East*, 185-225.
- — (1991). Nomad: A Year in the Life of a Qashqa'i Tribesman in Iran. *Univ of California Press*.
- Brice, W. C., & Grumach, E. (1962). The writing system of the Proto-Elamite account tablets of Susa. *John Rylands Library*.
- Binford, L. R. (1981). Behavioral archaeology and the "Pompeii premise". *Journal of anthropological research*, 37(3), 195-208.
- Blackman, M.J. (1984). Provenance studies of Middle Eastern obsidian from sites in highland Iran. In American Chemical Society Advances in Chemistry Series. No. 205. Joseph B. Lambert, ed. Pp. 19-50. Archaeological Chemistry III.
- Carter, Elizabeth (1996). Excavation at Anshan, Tal-e Malyan, the Middle Elamite Period. *university museum university of pennsylvania*.
- Carter, R. A., Challis, K., Priestman, S. M., & Tofghian, H. (2006). The Bushehr Hinterland Results of the First Season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province, November-December 2004. *Iran*, 44(1), 63-103.
- Carneiro, R. L., & Hilse, D. F. (1966). On determining the probable rate of population growth during the Neolithic. *American Anthropologist*, 177-181.
- Dahl, J. (2005). Animal husbandry in Susa during the Proto-Elamite period. *Studi Micenei ed Egeo-Anatolici*, 47, 81-134.
- Dahl, j, Hessari, M, Yousefi, R (2012). The proto-Elamite Tablets from Tape Sofalin. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 2(1), 57-73.
- Dyson, R.H. (1987). The relative and absolute chronology of Hissar II and the proto- Elamite horizon of northern Iran. In: Aurenche, O., Evin, J. & Hours, F. (eds.). *Chronologies in the Near East: relative chronologies and absolute chronology 16,000-4,000 B.P.* British Archaeological Reports. Series 379, V2. Oxford, England: 647-678.
- Evans, J. G., & O'Connor, T. P. (1999). Environmental archaeology: *principles and methods*. Sutton Pub Limited.

- Henrickson, E. F. (1985). The early development of pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan). *Iranica Antiqua*, 20, 1-42.
- Helwing, B., Makki, M., & Seyedin, M. (2010). Prehistoric settlement patterns in Darre-ye Bolaghi, Fars, Iran: Results of archaeological and geoarchaeological fieldwork. 6 *ICAANE*, 6, 233.
- Hole, F. (1978). Pastoral nomadism in western Iran. Explorations in Ethnoarchaeology, *University of New Mexico Press, Albuquerque*, 127-167.
- Holt, R. L. (1976). *A Marxian model of nomadic pastoralism. Doctoral dissertation, Texas Tech University.*
- Karlovsky, Lamberg (1989). Introduction. In The Proto-Elamite Texts from Tepe Yahya. Peter Damerow and Robert K. Englund. Pp. v-xiv. *American School of Prehistoric Research, Bulletin 39*. Cambridge: Peabody Museum, Harvard University.
- Le Brun, A. (1971). Recherches stratigraphiques à l'Acropole de Suse (1969-1971). *Cahiers de la DAFI*, 1, 163-216.
- Lees, S. H., & Bates, D. G. (1974). The origins of specialized nomadic pastoralism: a systemic model. *American Antiquity*, 187-193.
- Prickett, M. (۱۹۸۶). Settlement during the early periods, in Beal, T.W. and Lamberg-Karlovsky, C. C. (eds.). *Excavation at Tepe Yahya, Iran 1967-1975. The early Periods*, American School of Prehistoric Research Bulletin, Vol. 38, Cambridge, Peabody Museum of Archaeology and Ethenology, Cambridge, MA:215-46.
- Mashkour, M., Mohaseb, A., & Debue, K. (2006) Towards a specialized subsistence economy in the Marvdasht Plain. Preliminary zooarchaeological analysis of Mushki, Jari B, Jari A and Bakun A and B. in Alizadeh (ed.). The origins of state organizations in prehistoric highland Fars, excavations at Tall-e Bakun. *Oriental institut publications 128, Chicago, Illinois*. Pp. 101-105.
- Mashkour, Marjan (2006) Faunal Remains from Tol-e Nurabad and Tol-e Spid. In D.T. Potts and K. Roustaei (eds), The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR—University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran. *Iranian Center for Archaeological Research, Tehran*, 135–46.

شکل گیری و توسعه دام پروری تمام وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

- McCall, B. (2009). *The Mamasani Survey (Fars Province, Iran)*. Unpublished PhD thesis, University of Sydney.
- Miller, N. F. (1985). Paleoethnobotanical evidence for deforestation in ancient Iran: a case study of urban Malyan. *Journal of Ethnobiology*, 5(1), 1-19.
- Miller, N. F. (1990a). Archaeobotanical Perspectives on the Rural-Urban Connection. In N. F. Miller (ed.). *Economy and Settlement in the Near East* (pp. 79-83). *MASCA Research Papers in Science and Archaeology*. University of Pennsylvania Press. Philadelphia
- ——— (1990b). Clearing land for farmland and fuel: Archaeobotanical studies of the ancient Near East. *Economy and Settlement in the Near East: Analysis of Ancient Sites and Materials. MASCA Research Papers in Science and Archaeology, Supplement to*, 7, pp. 71-83.
- ——— (2011). An archaeobotanical perspective on environment, plant use, agriculture, and interregional contact in South and Western Iran. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 1(2), 1-8.
- ——— (2013). Agropastoralism and archaeobiology: Connecting plants, animals and people in west and central Asia. *Environmental Archaeology*, 18(3), 247-256.
- Miller, N. F., & Kimiaie, M. (2006). some plants remains from the 2004 excavations of Tall-e Mushki, Tall-e Jari A and B, and Talle Bakun A and B. The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran: Excavations at Tall-e Bakun. *Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago*, OIP 128, pp. 107-118.
- Miller, N. F., Abdi, K., & Sumner, W. M. (Eds.). (2003). *Yeki Bud, Yeki Nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner* (Vol. 48). *Cotsen Institute of Archaeology*.
- Miroshedji, P. (1973). Prospections archéologiques dans les vallées de Fasa et de Darab: rapport préliminaire. Ministry of culture and arts, *National research centre for history of art and archaeology*.
- Mortensen, P. (1972). Seasonal camps and early villages in the Zagros. *Man, Settlement and Urbanism, Duckworth, London*, 293-297.
- Djamali, M., De Beaulieu, J. L., Miller, N. F., Andrieu-Ponel, V., Ponel, P., Lak, R. & Fazeli, H. (2009). Vegetation history of the SE section of the Zagros Mountains during the last five millennia; a pollen record from the

- Maharlou Lake, Fars Province, Iran. *Vegetation History and Archaeobotany*, 18(2), 123-136.
- Nicholas, I. M. (1980). A spatial/functional analysis of late fourth millennium occupation at the TUV Mound, Tal-e Malyan, Iran. Ph.D. dissertation, Department of Anthropology, *University of Pennsylvania*. Ann Arbor: University Microfilms.
 - Nicholas, I. M. (1981). Investigating an ancient suburb: excavations at the TUV Mound, Tal-e-Malyan, Iran. Expedition: *The magazine of the University of Pennsylvania*, 23(3), 39-47.
 - Nicholas, I. M. (1990). The Proto-Elamite Settlement at TUV. Malyan Excavation Reports'. *University Museum Monographs* 69. Philadelphia: *The University Museum of Archaeology and Anthropology*, 1.
 - Pittman, Holly (2003). Proto-Elamite Glyptic Art from Operation ABC. Malyan Excavation Reports III: Early Urban Life in the Land of Anshan, Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran, William M. Sumner (ed.). Pp. 112-113. Philadelphia: *The University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology* (Vol. 3). UPenn Museum of Archaeology.
 - Potts, T. (1994). Mesopotamia and the East: an archaeological and historical study of foreign relations ca. 3400-2000 BC. *Oxford Univ. Committee for Archaeology*.
 - Redding, R. W. (1981). Decision Making in Subsistence Herding of Sheep and Goats in the Middle East. University of Michigan. *Ann Arbor. Ph. D.*
 - Salzer, R. E. (1974). Social Organization of a Nomadic Pastoral Nobility in Southern Iran: The Kashkuli Tribe of the Qashqa'i (*Doctoral dissertation, University of California*).
 - Stolper, M. W. (1985). Proto-Elamite Texts from Tall-i Malyan. *Kadmos*, 24(1-2), 1-12.
 - Sumner, William. (1972). Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: an archaeological analysis of settlement patterns. *PhD, Pennsylvania*.
 - ——— (1974). Excavations at Tall-i Malyan, 1971–72. *Iran*, 12(1), 155-180.
 - ——— (1976). Excavations at Tall-i Malyan (Anshan) 1974. *Iran*, 14(1), 103-115.
 - ——— 1985). The Proto-Elamite City Wall at Tal-i Malyan. *Iran*, 153-161.

شکل‌گیری و توسعه دام‌پروری تمام‌وقت در جوامع... ————— مرتضی حصارى و همکار

- ——— (1986). Proto-elamite civilization in Fars. In *Ġamdat Nasr: Period or Regional Style* (pp. 201-211). Dr. Ludwig Reichert Verlag Weisbaden.
- ——— (1987). An archaeological estimate of population trends since 6000 BC in the Kur River Basin, Fars Province, Iran. *South Asian Archaeology*, 1, 3-16.
- ——— (1988). Prelude to Proto-Elamite Anshan: The Lapui Phase in M langes P. Amiet. I.. *Iranica Antiqua*, 23-43.
- ——— (1989). Population and settlement area: An example from Iran. *American Anthropologist*, 91(3), 631-641.
- ——— (1990). Full-coverage regional archaeological survey in the Near East: An example from Iran. *The Archaeology of Regions. A Case for Full-Coverage Survey*, Smithsonian Institution Press, Washington, DC, 87-115.
- ——— (1994). The Evolution of Tribal Society in the Southern Zagros Mountains, Iran. in Stein, G. and Rothman, M.S. (eds.). *Chiefdoms and Early States in the Near East: The Organizational Dynamics of Complexity*. Prehistory Press: Madison Wisconsin, 47-65.
- ——— (2003). *Malyan Excavation Reports III: Early Urban Life in the Land of Anshan, Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran* (Vol. 3). UPenn Museum of Archaeology.
- Zagarell, A. (1982). *The Prehistory of the Northeast Ba tiy r  Mountains, Iran: The Rise of a Highland Way of Life* (Vol. 42). Dr. Ludwig Reichert.
- ——— (1989). Pastoralism and the early state in Greater Mesopotamia. *Archaeological Thought in America*, Cambridge University Press, Cambridge, 280-301.
- Zeder, M. A. (1985). *Urbanism and Animal Exploitation in South-west Highland Iran, 3400-1500 Bc Ph. D* (Doctoral dissertation, Dissertation, The University of Michigan, Ann Arbor, MI 1985. 2 vols., 833 p. Chairman: Henry T. Wright. Order No. DA8600586).
- Zeder, M. A. (1991). *Feeding Cities: Specialized Animal Economy in the Ancient Near East*, Smithsonian Institution, Washington DC /London.
- Zeder, M. A., & Blackman, M. J. (2003). *Economy and Administration at Banesh Malyan: Exploring the Potential of Faunal and Chemical Data for Understanding State Process*. Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner, 121-139.

Formation and development of full-time animal husbandry in Korriver areas during the Banesh period

Morteza Hessari^۱, Behruz Aghaii^۲

Accepted: 28 /04/ 2016

Received: 28/02/ 2016

Abstract

Banesh cultural period in South of Iran is considered as a vital phase in increasing socio-economic complexities in second half of fourth millennium (BC). Manufacture and specialty distribution of industrial& nutritional products, along with a change in settlement patterns and ecological strategies, demonstrate a pervasive regional evolution which establishes a different system in Baneshi community of Kor River Basin. In the meantime, some archeological Evidences depict features of a specialty community in the field of manufacturing and distribution of animal products, beside agricultural and industrial communities of this Basin in a way that its existence as a modern phenomenon is affected by economical complexity in mentioned time and place period. This paper depicts the formation and expansion of full- time pastoralism in articulation of socio-economic system of this era and represents an explanation for the evolution of productive strategies and formation of ways to exchange animal products by applying middle-range approach and historical - ethnological analogy.

KeyWords: Full-time Pastoralism, Kor River Basin, Banesh, Socio-economic Complexity, middle-range approach.

^۱ Associate Professor, Department of Archaeolog, Art University of Isfahan (Corresponding author).

Email:mhessari@aui.ac.ir

^۲Ph. D Candidate, Department of Archaeology, Art University of Isfahan.